



امیرکبیر؛ مردی که در تاریخ ایران زمین جاودانه شد

پنجشنبه 20 مهر مصادف با آغاز صدارت امیرکبیر صدراعظم با کفایت ناصرالدین شاه قاجار در تقویم هجری قمری است؛ آشپزاده‌ای که به دلیل استعدادش مورد توجه قرار گرفت و توسط قائم مقام، والامقامی آگاه و وطن پرست شد.

پنجشنبه 20 مهر مصادف با آغاز صدارت امیرکبیر صدراعظم با کفایت ناصرالدین شاه قاجار در تقویم هجری قمری است؛ آشپزاده‌ای که به دلیل استعدادش مورد توجه قرار گرفت و توسط قائم مقام، والامقامی آگاه و وطن پرست شد. پس از مرگ محمدشاه قاجار، پسرش ناصرالدین میرزا که شانزده سال داشت به سلطنت رسید؛ وی پس از آن که در تبریز بر تخت نشست، میرزا تقی خان امیرنظام را با لشکری آراسته به تهران فرستاد و خود در 21 ذی‌قعدة به تهران رسید.

ناصرالدین میرزا، پیش از ورود به تهران، امیر نظام را به لقب اتابک اعظم ملقب کرد و او رابه صدر اعظمی خویش برگزید؛ بعدها صدر اعظم ناصرالدین شاه توسط سلطان قاجار ملقب به امیر کبیر گردید.

امیر کبیر مردی بود که در زمانه حکومت مستبدانه شاهان قاجار و دربار فاسد ناصری منادی اصلاحات و تحولات سیاسی اجتماعی بود؛ وی با وجود برخی نقطه ضعف ها توانست در عمر کوتاه صدارت خویش و در میان دسیسه های شرق کینه توز(روسیه) و غرب مکار (انگلیس) سرمنشا تحولات سیاسی و اجتماعی چشمگیری در ایران شود.

امیر صدراعظم کشور بود و در دربار خدمت می کرد ولی برخلاف شاهان و درباریان قاجار که دارای آگاهی ها و جهان بینی لازمه نبودند، رویه ای دیگر در پیش گرفت.

برخی درباریان و شاهزادگان قاجار از غرب و سفرهای متعدد خود به آن دیار که اغلب از جیب ملت و با هزینه دولت انجام می شد بیشتر ظواهر امر را دیده و پسندیده بودند و به جز معدودی از آنان (مانند میرزا حسین خان و میرزا ملکم خان) آنچه برای ملت به سوغات آوردند تغییر لباس زنان با الهام از لباس بالرین های فرانسه و برخی موارد سطحی نگرانه دیگر بود.

امیر با نگاهی دیگر به غرب نگریست و تلاش کرد با ایجاد تحولات در دربار و جامعه، راه های پیشرفت کشور را هموار سازد.

* کودکی و نوجوانی

محمد تقی فراهانی معروف به امیرکبیر سیاستمدار و صدراعظم زمان ناصرالدین شاه قاجار در هزاوه در اطراف فراهان در سال 1222ه.ق به دنیا آمد.

پدرش کربلایی محمد قربان که از خانواده ای پیشه ور در هزاوه بود نخست به عنوان آشپز به خدمت میرزا عیسی قائم مقام درآمد و سپس در دستگاه فرزند او میرزا ابوالقاسم قائم مقام ناظر آشپزخانه شد.

&8226#8226;نخستین تجربیات سیاسی و سفر به خارج

محمدتقی در کنار شخصیتی همچون امیر نظام، با عنوان مستوفی نظام می توانست به خوبی قابلیت های خود را نشان دهد، میرزا محمد تقی خان همراه امیر نظام به روسیه رفت و سرپرستی این هیات را ناصرالدین میرزای ولیعهد بر عهده داشت.

سفر دیگری که نقش سازنده ای در شخصیت میرزا محمد تقی ایفا کرد، سفارت او به ارزروم در پی پدید آمدن بحران در روابط ایران و عثمانی و دعاوی ارضی دولت اخیر است.

میرزا تقی خان در صفر 1259طی فرمانی از سوی محمدشاه برای این کار در نظر گرفته شد، وی با رتبه سرتیپی در صدر 200 تن از رجال سیاسی - نظامی ایران رهسپار ارزروم شد.

پس از مرگ محمد شاه، شاه جدید - ناصرالدین میرزا که در آذربایجان بود - از میرزا تقی خان- که در آن زمان منصب وزارت نظام آذربایجان را داشت، خواست تا مقدمات ورود او به تهران را فراهم کند.

امیرنظام در سفر ناصرالدین شاه به تهران درایت بسیار نشان داد و اردوی شاهی را با نهایت نظم به تهران رسانید پس از ورود شاه به تهران و جلوس بر تخت سلطنت، امیرنظام منصب صدارت یافت و لقب اتابک اعظم و امیرکبیر گرفت؛ در همین روزگار به سبب ازدواجش با عزت الدوله خواهر ناصرالدین شاه توانست از بدگویی های درباریان آسوده شود و به علاوه بر حوادث و مسائل حرم نیز وقوف یابد.

&8226;#تحریکات دینی

در این زمان طرفداران باب به ترویج عقاید او و تحریک مردم برخاستند و در بعضی نقاط ، سران ایشان آشکارا به معارضه با دولت پرداختند، تا آنجا که امیر به مقابله برخاست و باب را به امضای تکذیب نامه دعوی خویش واداشت. سپس هم به فتوای علما او را اعدام کردند.

&8226;#سیاست خارجی

در بعد سیاست خارجی و روابط با نمایندگی های دولت های خارجی در ایران نیز فعالیت های امیر بنیادی، و متکی بر حفظ منافع ملی که حاکی از اطلاع و تسلط او بر عرف بین الملل بود.

اگر چه پیش از امیر نیز دولت ایران دارای وزیر امور خارجه بود، اما در عهد او وزارت امور خارجه به عنوان نهادی مشخص بنیان نهاده شد و نخستین کارکنان آن را خود انتخاب کرد و ساختمانی برای آن در نظر گرفت.

از کارهای امیر در این دوران، بازداشتن سفرای بیگانه از مداخله در امور داخلی ایران، اهتزاز پرچم ایران در کشورهای دیگر به طور دائم و اعزام نمایندگان دائمی سیاسی برای تاسیس سفارتخانه و نمایندگی به لندن، پترزبورگ، بمبئی، استانبول و تفلیس، تدوین دستور عمل برای مذاکرات با وزرای مختار دول بیگانه، اتخاذ روشی برای کسب اخبار و اطلاعات از سفارت خانه های بیگانه که باعث بیم و رعب مداخله جویان خارجی شد، نظارت بر رفت و آمد بیگانگان و مرسوم کردن اخذ تذکره (گذرنامه) برای آنان را می توان یاد کرد.

وی همچنین به آموزش و تربیت ماموران ایرانی مقیم خارج از کشور عنایت خاص داشت و می کوشید آنان را از میان شایسته ترین افراد انتخاب کند.

امیر ، اصلاحات داخلی را با امور نظامی که ضامن حاکمیت ملی و تمامیت ارضی کشور بود و او خود در امر نظام تجربه ای طولانی داشت، آغاز کرد؛ او نخست صندوقی برای تامین مواجب و نیازهای مالی نظامیان ایجاد کرد تا نظامی گری به صورت شغلی مستقل درآید.

بر اساس این گزارش وی سپس به تدوین قانون سربازگیری و طبقه بندی رسته ها و درجات و تجدید سازمان نظامی پرداخت؛ همچنین به تاسیس کارخانه هایی برای ساخت ملزومات نظامی و تسلیحات ساده و متحدالشکل کردن لباس نظامیان دست زد.

در زمینه اقتصادی، امیر، طرفدار گسترش تجارت و کشاورزی و در عین حال توسعه صنایع ملی بود. بدین سبب به ساخت و توسعه بازارهای تهران و تبریز - سرای امیر - و گسترش شبکه راه ها همت گماشت؛ از سوی دیگر افزایش حقوق گمرکی واردات، موجب ترغیب و توجه تجار ایرانی به صادرات شد.

&8226;#توسعه امور بازرگانی و تجارت

از دیگر اصلاحات امیر که ارتباط مستقیم با تجارت دارد، ایجاد امنیت در راه ها و نظارت بر عبور و مرور و صدور تذکره عبور، ایجاد قراول خانه و چاپارخانه در حدود شهرها، مساحی و نقشه برداری تهران و دیگر مناطق و راه های کشور را باید ذکر کرد.

&8226;#توسعه امور فرهنگی

در مسائل فرهنگی، برجسته ترین کار امیر، زمینه سازی تاسیس دارالفنون برای تربیت علمی و فنی جوانان براساس اصول و علوم جدید اروپایی بود.

امیر کبیر اعتقاد داشت که انتقال محیط علمی اروپا به ایران، بهتر از فرستادن محصل به خارج از کشور است.

انتشار روزنامه وقایع اتفاقیه نیز از دیگر اصلاحات فرهنگی امیر به شمار می رود. برخی معتقدند که سر مقاله های این روزنامه به قلم خود امیر بوده است.

از دیگر اصلاحات فرهنگی و اجتماعی امیر، دستور ترجمه کتب اروپایی، ایجاد چاپخانه، تدوین قانون نامه ای برای پزشکان و امتحان از آنان، ترویج آبله کوبی و بنیان نخستین بیمارستان دولتی را می توان نام برد، در زمینه حقوقی تلفیق شایان توجهی میان قوانین عرفی و شرعی به عمل می آمد.

سرانجام، امیر به عنوان آغازگر اصلاحات عمیق و معتقد به مشارکت عمومی در این کار، با انتشار اعلامیه ای از صاحب نظران خواست که نظریات خود را درباره اصلاحات امور کشوری و لشکری اعلام کنند؛ رساله قانون قزوینی نیز در پاسخ به همین درخواست نگاشته شد.

&8226#؛ برخی دلایل مخالفت های درباریان با امیر رفتار ساده و صادقانه امیر، موجب رشک و خشم درباریان متملق می شد که خود را در برابر امیر ضعیف می دیدند و برای خودنمایی آن را نوعی توهین به شاه می نمایاندند.

مهدعلیا، مادر قدرت طلب شاه که علاقه شدیدی به مداخله در امور و نقش مهمی در حوادث سیاسی روزگار داشت، یکی از مهم ترین دشمنان امیر بود؛ سخت گیری های امیر نسبت به اهل حرم، به ویژه مهد علیا که گویا نسبت به جایگاه صدراعظم نیز حسادت می کرد، مخالفت امیر با خواست های نابجای او از جمله علل دشمنی مهدعلیا بود که همراه آقاخان نوری و حاج علی خان فراشباشی، در راس دشمنان امیر قرار داشت.

سرانجام دشمنی امثال آقاخان نوری و مهد علیا و نادانی ناصرالدین شاه باعث شد تا در بیستم محرم 1268 هجری قمری، امیرکبیر از صدارت معزول شود و در 25 محرم از امارت نظام و از تمام مشاغل دولتی برکنار و چند روز بعد به کاشان تبعید شود.

سرانجام به فرمان ناصرالدین شاه به دست نالایقی چون حاج علیخان مراغه یی معروف به حاجب الدوله در حمام فین کاشان به لقاء حق رسید.

یکی از روایت های جالب در مورد شهادت امیر این است که آیت الله محمدعلی اراکی بازگو می کند و می گوید که در خواب امیرکبیر را دیده است که جایگاه رفیعی در عالم برزخ داشته است؛ سبب آن را می پرسد و امیر پاسخ می دهد:

با اشک گفت: آنگاه که رگ دو دستم را در حمام فین کاشان زدند؛ چون خون از بدنم می رفت تشنگی بر من غلبه کرد سر چرخاندم تا بگویم قدری آبم دهید؛ ناگهان به خود گفتم میرزا تقی خان! دو تا رگ بردند این همه تشنگی! پس چه کشید پسر فاطمه؟ او که از سر تا به پایش زخم شمشیر و نیزه و تیر بود! از عطش حسین حیا کردم، لب به آب خواستن باز نکردم و اشک در دیدگانم جمع شد آن لحظه که صورتم بر خاک گذاشتند امام حسین آمد و گفت به یاد تشنگی ما ادب کردی و اشک ریختی؛ آب ننوشیدی این هدیه ما در برزخ باشد تا در قیامت جبران کنیم.

گرچه پس از مرگ امیر، ناصرالدین شاه پشیمان شد اما این امر سودی به حال خود و ملت نداشت و مرگ امیر به فرصتی تازه ای برای فاسدان و بیگانه پرستان برای دست اندازی بیشتر به دارایی های کشور تبدیل شد.

اکنون کتاب های متعدد و فیلم های شایسته ای در مورد امیرکبیر نوشته و ساخته شده است. با پیروزی انقلاب اسلامی خدمات امیر کبیر بیش از هر زمانی معرفی می شود، انقلابی که پای در راه مردانی گذاشته که سودایی جز خدمت نداشتند.

منبع: ایرنا